

علت افتادن ما در دام عبادت کورکورانه چیست و راه‌هایی کدام است؟

آیا عبادت کورکورانه، ما را به هدف خلقت‌مان می‌رساند؟

هیچ‌وقت به این فکر کرده‌ایم که چرا کارهای خوب انجام می‌دهیم، یا عبادت می‌کنیم؟

آیا خداوند به کارهای خوب یا عبادت‌هایی مثل نماز و روزه ما نیاز دارد؟

مسلماً هدف از عبادت، یک عبادت کورکورانه، مانند نمازی که صرفاً خم و راست شدن و تکرار یک سری جملات و عبارات عربی باشد، نیست. علاوه بر این، بدون شک خداوند از عبادت ما بی‌نیاز است و اگر تمام عالم کافر شوند، ذره‌ای از قدر و منزلت او کاسته نمی‌شود؛ پس هدف از عبادت و انجام کارهای خیر چیست؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید مروری بر بحث خودشناسی و هدف از خلقت انسان داشته باشیم. همان‌طور که در درس‌های قبل خواندیم بُعد انسانی یا خود حقیقی و جاودانه ما، همان روح دمیده شده از سوی خداوند در وجود ماست و عشق ما به کمال مطلق یا همان الله هم نتیجه برخوردار بودن از بخش انسانی است.

بنابراین ما فقط زمانی به شادی، آرامش و سعادت دنیوی و اخروی می‌رسیم که به وصال معشوق رسیده باشیم. وصال معشوق یعنی یکی شدن با او، به‌طوری‌که هیچ فاصله‌ای بین ما و او نباشد. خداوند موجودی بی‌نهایت است و در مکان خاصی حاضر نیست؛ بنابراین وقتی صحبت از وصال او می‌شود، منظور وصال فیزیکی نیست، بلکه منظور شباهت یافتن به او و یکی شدن با اسماء و صفات اوست.

شباهت یافتن به خدا، عالی‌ترین هدف خلقت انسان است و ما برای همین آفریده شده‌ایم. تک‌تک عبادت‌ها و اعمال خیر ما نیز باید در راستای رسیدن به این هدف باشد. ما قرار است از رهگذر انجام عبادت و امور خیر به رحمانیت، رحیمیت، سخاوت‌مندی، بخشش، کرامت، گذشت، پرده‌پوشی، احسان، نیکی و سایر کمالات الهی برسیم؛ در نتیجه اگر عبادت چنین بهره‌ای برای ما نداشته باشد و این دارایی‌ها را در وجود ما نهادینه نکند، یک عبادت بی‌ثمر و کورکورانه است که تنها جسم‌مان را خسته می‌کند. همه اعمال ما از

جمله عبادات و کارهای خیر باید در راستای شباهت به الله و کسب دارایی و قدرت باشد. مانند کسی که در باشگاه رزمی ثبت‌نام می‌کند و تمام فکر و ذکرش در باشگاه، رسیدن به مهارت و شباهت به مربی است و همه حرکات و تمرین‌های او در باشگاه برای رسیدن به این هدف است. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا هر کار خیر یا عبادتی ما را به دارایی می‌رساند؟

عبادت کورکورانه و هدررفته

همه ما از کسانی که ظاهری مثبت دارند و اهل عبادت هستند، انتظار خلق و خوی خوب و رفتارهای پسندیده داریم؛ اما با کمال تعجب همیشه این‌گونه نیست. علت این است که این افراد عبادت را از روی معرفت و با هدف نزدیکی به خدا انجام نمی‌دهند؛ در واقع اینگونه افراد بیشتر مشغول ظاهر عبادت و سرگرم شدن به صورت‌های مقدس مذهبی هستند؛ در نتیجه عبادات‌هایشان عبادت‌هایی کورکورانه و هدررفته است، که خیلی از اوقات نتیجه معکوس می‌دهد؛ مثلاً کسی که اهل نماز است و در عین حال خلق‌های بدی مانند زودرنجی، پرخاشگری، عصبانیت، حسادت یا تکبر دارد، نشان می‌دهد که نماز او هیچ دارایی و توانایی در او ایجاد نکرده است. اساساً هدف از عبادت، کسب معرفت و دارایی و رسیدن به عبودیت است. کیفیت تولد ما به آخرت نیز به میزان دارایی و صفات الهی که در دنیا و از طریق اعمال مان کسب کرده‌ایم، بستگی دارد.

همان‌طور که اگر جنین اعضاء و جوارح لازم برای زندگی در دنیا و تولد سالم را کسب نکرده باشد، تمام فعالیت‌هایش در رحم مادر بیهوده بوده، اگر ما هم در دنیا دارایی‌های مورد نیاز برای زندگی در آخرت را کسب نکنیم، همه کارها و عبادات مان بی‌فایده بوده است. در حقیقت همه اعمال ما در دنیا، اعم از نماز، روزه، ذکر، قرآن، حج، عزاداری، همسرداری یا فرزندداری، باید واسطه کسب دارایی و معرفت باشند و اسماء الهی مثل رحمان، غفور، عفو، حلیم، صبور، شکور، رؤوف، جواد و کریم را در ما به فعلیت برسانند؛ درحالی‌که

در برخی از ما، کار خیر و عبادت کورکورانه موجب افزایش غفلت‌مان می‌شوند و به همین دلیل به جای رشد حقیقی، دچار رشدهای توهمی می‌شویم؛ مانند کسی که به واسطه انجام کارهای خیر خود را برتر از دیگران می‌داند.

اما چرا برخی از ما دچار عبادت کورکورانه و اعمال بیهوده می‌شویم؟ عامل اصلی و مهم این مسئله عدم خودشناسی، عدم اولویت‌بندی معشوق‌ها و حمله راست شیطان است که به طور خلاصه به آن‌ها می‌پردازیم.

عدم خودشناسی عامل عبادت کورکورانه

بدون شک تا وقتی که ما خودمان را به معنای حقیقی نشناسیم، نمی‌توانیم به سمت هدف خلقت‌مان حرکت کنیم. کسی که خود حقیقی‌اش را نمی‌شناسد و نمی‌داند از کجا آمده است و به کجا می‌رود، چگونه می‌تواند به سمت کسب معرفت و شباهت به الله حرکت کند؟ چنین کسی به جای بخش انسانی با بخش حیوانی‌اش با خداوند روبه‌رو می‌شود و به همین دلیل شعار «لااله الاالله» برایش بی‌مفهوم است؛ زیرا این شعار برای بعد انسانی طراحی شده، نه برای بعد حیوانی. بعد حیوانی ما هیچ درکی از این شعار ندارد و اله‌ها و معشوق‌های متناسب با خودش را می‌طلبند.

عدم اولویت‌بندی معشوق‌ها

عدم اولویت‌بندی معشوق‌ها از عواملی است که موجب می‌شود تا عبادات ما به دارایی منتهی نشود. اگر ما نظام محبتی‌مان را تنظیم نکرده باشیم و بعد انسانی‌مان بر سایر ابعاد وجودی‌مان حاکمیت نداشته باشد، هر قدر هم اهل کارهای خیر، اعمال صالح و عبادت باشیم، عباداتمان به دارایی و معرفت منجر نمی‌شود. زیرا برای ما معشوق‌های جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی محبوب‌تر از معشوق‌های انسانی، یعنی خداوند، اهل بیت (علیهم‌السلام) و جهاد در راه خداست و به همین دلیل تمایل و دغدغه ما کسب دارایی در بخش انسانی

نیست. برای مثال وقتی یک حافظ قرآن، بدبین، بخیل و افسرده است، علامت این است که او با بعد انسانی‌اش سر سفره قرآن ننشسته؛ در نتیجه بهره‌ای هم از قرائت این کتاب نورانی و شادی‌آفرین نصیبش نشده است.

فریب خوردن از شیطان

همان‌طور که می‌دانیم شیطان، دشمن قسم‌خورده^۱ ماست و با حملات چهارگانه^۲ خود درصدد فریب دادن و گمراهی ماست. او با یکی از حملات خود ما را به عبادت کورکورانه دچار می‌کند. شاید باورش سخت باشد اما شیطان در این حمله با پیشنهادهای مثبت و صور مقدس برای ما جهنم می‌سازد! او با سرگرم کردن ما به امور خیر، هیئت‌ها، قرآن، ذکر یا هر عبادت مستحبی و افراط در آن‌ها موجب غفلت ما از هدف اصلی، یعنی کسب دارایی و جذب صفات الهی می‌شود. همچنین کارهای خیر، عبادت‌ها و کمالات‌مان را به قدری بزرگ جلوه می‌دهد تا دچار عجب و غرور شویم. در این حالت اعمال‌مان نه تنها ما را به خدا نمی‌رساند، بلکه باعث دوری ما از او می‌شوند! در واقع در این حالت، عبادات و امور مقدس ما تحت حاکمیت شیطان قرار می‌گیرند؛ مانند رئیس مرکز خیریه یا مسئول هیئتی که روزبه‌روز متکبرتر و بداخلاق‌تر می‌شود؛ درحالی‌که قاعدتاً باید روزبه‌روز به دارایی‌های انسانی‌اش اضافه شده و **تواضع** و خوش‌اخلاقی‌اش بیشتر شود.

در این درس درباره عبادت کورکورانه و اعمالی صحبت کردیم که ما را به معرفت و دارایی نمی‌رسانند. گفتیم هر عملی که صورت مقدس دارد، لزوماً مفید و سازنده نیست و ممکن است فسادآور نیز باشد. یعنی به جای اینکه ما را به دارایی‌های انسانی و شباهت به الله برساند، ما را از خداوند دورتر هم می‌کند. مثل برخی

^۱ سوره زخرف، آیه ۶۲

^۲ سوره اعراف، آیه ۱۷

از ما که با وجود یک عمر عبادت، انجام کارهای خیر و خدمت به دیگران، هنوز دچار زودرنجی، عصبانیت، کینه و حسادت هستیم. عدم خودشناسی، عدم اولویت‌بندی معشوق‌ها و حملهٔ راست شیطان از عواملی هستند که باعث دچار شدن ما به عبادت کورکورانه و اعمال بیهوده می‌شوند.

به نظر شما چه عوامل دیگری موجب می‌شوند ما عبادت کورکورانه و اعمال خیر بیهوده انجام دهیم؟

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer